

## بررسی تاثیر داعش بر روابط ایران با کشورهای همسایه

رضا پریرزاد<sup>۱</sup>

امیر علی پور<sup>۲</sup>

### چکیده

روابط ایران و کشورهای همسایه آن را می‌توان یکی از غیرعادی‌ترین و استثنایی‌ترین روابط خارجی در دنیا تلقی کرد. روابط ایران و عثمانی و سپس عراق طی قرون اخیر شامل چرخه‌ای از تعارض‌های بلندمدت، جنگ‌ها و دوره‌های کوتاه مدت اتحاد، صلح سرد و همزیستی بوده است. با پیدایش داعش، روابط ایران با کشورهای همسایه وارد مرحله‌ای شد که با ادوار گذشته تفاوت ماهوی دارد. این پژوهش با هدف بررسی نقش داعش بر روابط ایران با کشورهای همسایه آن انجام شده است. در نهایت با توجه به نتایج این تحقیق با توجه به نتایج این تحقیق سوریه مهم‌ترین پل ارتباطی ایران برای حمایت از حزب الله لبنان و گروه‌های فلسطینی محسوب می‌شود، بنابراین اهمیت بقای حکومت بشار اسد برای حفظ هرچه بهتر این ارتباط از اهمیت فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. نقاط مشترک ایران و ترکیه در سوریه پایان جنگ سوریه خواسته مشترک ترکیه و ایران است. در عراق نیز پس از سقوط صدام تلاش‌های بسیاری برای جلوگیری از تکوین عراق با هویت واقعی آن انجام شد. اگر اقدامات گسترده‌ای که طی یک دهه اخیر در زمینه جلوگیری از شکل‌گیری دولت‌سازی در عراق نادیده گرفته شود، پیدایش داعش را می‌توان مهم‌ترین تهدید برای تکوین هویت دولت جدید عراق تلقی کرد.

**کلمات کلیدی:** داعش، عراق، سوریه، ترکیه

۱. استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم R\_parizad@yahoo.com

۲. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم Amiralipour1355@gmail.com

هر بحران و مسئله‌ای در خاورمیانه، هم خود کشورهای منطقه را متأثر می‌سازد و هم سیستم بین‌المللی را وادار به کنش می‌کند. در سال‌های اخیر بنیاد گرایشی اسلامی داعش و اقدامات آن‌ها، منطقه خاورمیانه و کل نظام بین‌الملل را متأثر کرده است. به خصوص جمهوری اسلامی ایران به خاطر هویت شیعی و غیرعربی خود در معرض مستقیم تهدیدات داعش قرار دارد (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۶۹). داعش جریانی خشونت‌طلب و تندرو که سودای احیای خلافت اسلامی دارد. جریانی که در کوتاه مدت توانست به فتوحات چشمگیری دست یابد و از سوریه به عراق رفته و بخش‌هایی از سرزمین عراق را هم اشغال کند. در نهایت رهبر داعش خود را خلیفه مسلمانان جهان نامید و از همه پیروان ادیان دیگر خواست که از آن‌ها پیروی کنند (عباسی، ۱۳۹۳، ۳). داعش یکی از انشعابات القاعده و به صورت مشخص‌تر، یکی از انشعابات جبهه النصره است، که شاخه‌ای از القاعده بود و در سوریه فعالیت می‌کرد. سازمان القاعده در اوایل دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت و شکل‌گیری اش بر اساس تئوری خاص دینی و سیاسی بود. نیروهای القاعده در این دهه تحولات مختلفی را پشت سر گذاشتند: مدتی در سودان بودند، سپس به افغانستان رفتند تا این که در سال ۲۰۰۱ حمله یازده سپتامبر شکل گرفت. بعد از سقوط صدام در عراق، القاعده عراق به رهبری زرقاوی تأسیس شد. پس از تحولات کشورهای عربی و شروع جنگ داخلی در سوریه یکی از اصلی‌ترین گروه‌های مخالف که اتفاقاً مسلحانه هم عمل می‌کرد، جریان القاعده بود که نام‌شان را جبهه النصره گذاشتند. پس از مدتی این جریان هم انشعاب کرده و داعش شکل گرفت (مسجد جمعی، ۱۳۹۵، ۴۵۶). با توجه به ابعاد بالای اثرگذاری بحران داعش، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌الملل دچار تأثیر شد. متأثر از ظهور داعش در منطقه، جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا نقش خود را به عنوان یکی از بازیگران محور مقاومت در منطقه خاورمیانه و در نظام بین‌الملل کنونی معرفی کند. مطابق مفروضه‌های سازه‌انگاران منبع هویت‌ها در نظام بین‌الملل نیز بر پایه اصول، قواعد و هنجارهای داخلی و رویه اجتماعی بین‌المللی می‌باشد. بنابراین مفاهیم متعددی چون امنیت، تهدید، دوستی، اتحاد و ائتلاف بر اساس نظام ارزشی و هویتی بازیگران شکل می‌گیرد. هویت جمهوری اسلامی ایران بر اثر هنجارهای اسلامی و تصورات بیرونی شکل گرفته است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی در ارتباط با عراق، ترکیه و سوریه با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی و با توجه به هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی در قالب هویت اسلامی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. زیرا جدای از عوامل مادی، حوزه مشترک در روابط ایران و سوریه سیاست مشترک برای حفظ هویت مقاومت در خاورمیانه است (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۶۲). یکی از اهداف مهم داعش، ایجاد نظام سیاسی مورد نظر خویش است که از آن با عنوان «امارت اسلامی» یاد می‌کنند. پیش شرط تشکیل چنین واحد سیاسی، نابودی دولت‌های مستقر در جهان اسلام به ویژه

خاورمیانه است (پورحسن، ۱۳۹۱: ۲۶). هدف اعلام شده داعش بازسازی خلافت با خلیفه‌ای است که عموماً باید جانشین حضرت محمد (ص) باشد (بخشی شیخ احمد، بهاری و وهاب‌پور، ۱۳۹۳: ۱۴۳). با توجه به این که داعش به مرزهای سیاسی، اعتقادی ندارد، بنابراین گفتمان و عملکرد آن علاوه بر تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی، به طور خاص تهدیدی جدی برای امنیت ملی و منافع جمهوری اسلامی ایران است. داعش، مرزهای موجود بین کشورهای اسلامی را که حاصل تجزیه خلافت عثمانی براساس قرارداد سایکس - پیکو<sup>۱</sup> سال ۱۹۱۶ بین وزیران امور خارجه انگلیس و فرانسه است، نمی‌پذیرد و براساس عقاید خود، نقشه‌ای از جهان را ترسیم کرده است (سعدالدین، ۱۳۹۰: ۵۴-۱۹۴).

بحران داعش که از پر اهمیت‌ترین چالش‌ها در عرصه سیاست خارجی کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران است تاثیرهای مختلفی بر سیاست خارجی ایران و روابط آن با کشورهای همسایه برجای گذاشته است. بنابراین این پژوهش با هدف بررسی نقش داعش بر روابط ایران با کشورهای همسایه با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است.

### تجزیه دولت‌های خاورمیانه (بالکانیزه کردن عراق) و تامین منافع رژیم صهیونیستی

روی کارآمدن دولت‌های مردم سالار در کشورهای انقلابی بعد از تحولات موسوم به بیداری اسلامی، رژیم صهیونیستی را علیرغم تضعیف گفتمانی و هویتی، با تهدیدات جدی امنیتی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی مواجه ساخت (Basol, 2011). وجود ماهیت اسلامی و ضد صهیونیستی این تحولات در کشورهای اسلامی، امنیت وجودی و هستی‌شناختی این رژیم را به دلیل شکل‌گیری هویتی جدید به شدت تهدید نمود (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۹). این مسئله سبب گشت تا رژیم صهیونیستی و متحدانش به فکر حمایت از گروه‌های تروریستی مخالف نظم شیعی در منطقه باشند و منفعت خویش را در تجزیه دولت‌های خاورمیانه و اضمحلال قدرت نظامی و دفاعی کشورهای اسلامی می‌دانند. در همین راستا، بعد از کنشگری گروه‌های تکفیری- تروریستی نظیر داعش در منطقه، رژیم صهیونیستی ضمن حمایت‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی از گروهک داعش، خواهان سقوط دولت‌های همسو با سیاست‌های ایران و تغییر قدرت حاکمه از شیعیان اهل سنت بودند. رژیم صهیونیستی با استفاده از تحولات ژئوپلیتیک جدید منطقه درصدد دستیابی به اهداف دیرینه خود در منطقه خاورمیانه؛ یعنی ایجاد رژیم صهیونیستی بزرگ و عملی کردن ایده از نیل تا فرات است (Hersh, 2004). گروه‌های تکفیری - تروریستی با قدم نهادن در راه تجزیه کشورهای خاورمیانه عملاً در راستای تامین منافع و امنیت صهیونیست‌ها گام بر می‌دارند. اقداماتی که گروه‌های

تکفیری و تروریستی در عراق و کشورهای اسلامی دیگر راه انداخته‌اند؛ یعنی گسترش جنگ‌های داخلی، تبدیل دولت‌های مقتدر به شبه دولت‌های ناتوان و تجزیه احتمالی منطقه، بهتر و بیشتر می‌تواند منافع این رژیم را تامین کند.

در عین حال، اقدامات تکفیری‌ها در کشور عراق زمینه تداوم و حضور نظامی ایالات متحده در عراق را فراهم می‌کند و این به معنای تامین منافع راهبردی تل‌آویو است؛ زیرا از زمان تشکیل آن تا کنون جل حمایت و طرفداری قدرت‌های بزرگ، یک ستون دائمی راهبرد رژیم صهیونیستی بوده است و با حضور آمریکا در منطقه امکان تحقق این راهبرد تسهیل خواهد شد. دوم این که، اقدامات تکفیری - تروریستی‌های داعش در عراق سبب خواهد شد که کشورهای افراطی و مخالف آن در لاک دفاعی فرو روند و مشغول مقابله با بحران‌های داخلی گردند که نتیجه آن، توانایی کشورهای اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی افول می‌کند و تغییر معادله منطقه به نفع این رژیم خواهد بود و در نقطه مقابل، معادلات منطقه‌ای را به ضرر ایران تغییر خواهد داد و ملاحظات امنیتی برای ایران را به ارمغان خواهد آورد (هراتی و قربی، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

با توجه به این نکته راهبردی، سرویس‌های جاسوسی آمریکایی و صهیونیستی، نظامیان و شورشیان عراق را تجهیز نظامی و مالی می‌نمایند و بعد آن‌ها را با یکدیگر درگیر نمودند. این متحدان استراتژیک در استخدام و بکارگیری، آموزش و تامین مالی گروه تروریستی داعش فعالیت زیادی دارند (هراتی و قربی، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

با توجه به مسائل ذکر شده، بالکانیزه کردن خاورمیانه و تضعیف قدرت نظامی و سیاسی کشور عراق در محیط راهبردی ایران، کاهش دهنده نفوذ منطقه‌ای ایران، گسترش تحرکات تجزیه طلبانه در مرزهای ایران و عراق، تامین منابع مالی و نظامی گروه‌های افراطی (مذهبی و اقلیت‌ها) در استان‌های مرزی ایران، تضعیف محور مقاومت، جنگ داخلی کشورهای اسلامی و کاهش توه به قدرت‌های استعماری بیرونی نظیر رژیم صهیونیستی و آمریکا، امکان استقرار حکومت همسو با سیاست‌های صهیونیستی در کشور عراق و از سرگیری سیاست‌های خصمانه با جمهوری اسلامی ایران (همانند تجزیه رژیم بعث و نظامی‌گری صدام حسین) و ... امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر قرار می‌دهد و علاوه بر امنیت مرزهای ایران، ابعاد امنیتی ایران در حوزه‌های سیاسی و نظامی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

**تاثیر بازیگران منطقه‌ای بر قدرت‌یابی داعش**

محیط و بازیگران منطقه‌ای می‌توانند در پیشبرد مسایل سیاسی، امنیتی و اقتصادی هر کشور نقش عمده‌ای ایفا کنند و با تأثیرگذاری بر روندهای درونی یک واحد سیاسی آن‌ها را با پیشرفت بهتر و یا چالش مواجه نمایند. در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته غربی، تأثیرگذاری عوامل و بازیگران خارجی بر امور و روندهای داخلی به دلیل انسجام اجتماعی - سیاسی بالا، پیوستگی بیشتر جامعه و دولت و اقتصاد توسعه یافته بسیار اندک است، اما در کشورهای توسعه نیافته‌ای چون کشورهای خاورمیانه به دلایلی نظیر عدم پیشرفت فرآیند دولت - ملت سازی و پایین بودن سطح انسجام اجتماعی - سیاسی، فقدان کانال‌های ارتباطی و پیوستگی لازم بین دولت و گروه‌های اجتماعی و همچنین سطح پایین توسعه یافتگی اقتصادی، قابلیت تأثیرگذاری بازیگران خارجی بر روندهای درونی کشورها افزایش می‌یابد. در این میان، کشور عراق از منظر ساختار اجتماعی و به لحاظ تاریخی دارای جامعه‌ای چند پاره و ضعف هویت ملی مشترک است و این امر همواره باعث تأثیرگذاری کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر امور داخلی این کشور به واسطه ارتباط با گروه‌های داخلی این کشور شده است. در دوره جدید به دلیل ضعف نسبی دولت مرکزی در عراق و ناتوانی آن در اعمال کامل حاکمیت و فعال شدن نیروهای گریز از مرکز و گروه‌های مخالف دولت، تأثیرگذاری و نقش بازیگران منطقه‌ای ذینفع در روندهای سیاسی - امنیتی عراق بسیار افزایش یافته است و این امر به واسطه منافع و اهداف متعارض این بازیگران در عراق، پیشبرد روند سیاسی و مصالحه گروه‌های سیاسی و همچنین امنیت‌سازی در این کشور را با چالش مواجه ساخته است. در محیط منطقه‌ای عراق، ایران، ترکیه و کشورهای عربی به عنوان بازیگران اصلی تأثیرگذار محسوب می‌شوند که هر کدام اهداف و منافع خاص خود را دنبال می‌کنند. ایران ضمن حمایت از تمامیت ارضی، ثبات و امنیت عراق، تقویت حضور گروه‌های شیعی در ساختار قدرت را محور اصلی استراتژی خود می‌داند. اما اغلب کشورهای عربی منطقه به حمایت از دولت جدید عراق تمایل چندانی ندارند و تلاش می‌کنند تا شرایط را در عراق به نفع خود تغییر دهند. کشورهای عربی دولت - ملت سازی جدید در عراق را به واسطه شاخصه‌های دموکراتیک آن و به ویژه قدرت‌یابی شیعیان، تهدیدی علیه منافع و جایگاه منطقه‌ای خود قلمداد می‌کنند و آن را عاملی جهت بر هم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران می‌دانند. در واقع، بعد از فروپاشی رژیم بعث در عراق و قدرت‌یابی و قدرت‌گیری شیعیان عراق به عنوان جمعیت حداکثری در این کشور، عربستان سعودی که خود را بازنده بازی قدرت در عراق پس از جنگ آمریکا در این کشور می‌داند بر تنش‌های مذهبی در عراق و در منطقه دامن زده است. از این‌رو، این کشورها تلاش می‌کنند تا با افزایش سهم اعراب سنی در ساختار قدرت، از گسترش نفوذ و قدرت گروه‌های شیعی جلوگیری کنند و در این راستا عدم حمایت از دولت نوری مالکی و حتی تسهیل شرایط برای بی‌ثباتی و ناامنی بیشتر را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. ورود بخشی از شورشیان سنی از کشورهای عربی و همچنین حمایت مالی -

تسلیماتی از شورشیان عراق بخشی از اقدامات بی‌ثبات کننده این کشورها است که چالش‌های پیش‌روی دولت عراق را دو چندان می‌سازد (Cordesman, 2010: 3-11). بنابراین، یکی دیگر از مولفه‌های مهمی که در افزایش توان و نقش آفرینی داعش در عراق نقش داشته است، گسترش اختلافات و رقابت‌های بین بازیگران منطقه‌ای در چند سال گذشته در نتیجه بحران‌های جدید منطقه‌ای از جمله در سوریه، مصر، بحرین و سایر کشورهای عربی محسوب می‌شود. این بحران‌ها باعث افزایش اختلافات و رقابت بین بازیگران منطقه‌ای مانند ایران با عربستان سعودی و قطر شد و تلاش برخی از بازیگران عربی برای بهره‌گیری از گروه‌هایی مانند داعش، برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود در منطقه را در پی داشت. عربستان سعودی و قطر علاوه بر این که از گروه‌های مخالف در سوریه برای رسیدن به سیاست تغییر رژیم در این کشور استفاده می‌کنند، سعی دارند با حمایت از داعش از این گروه برای تغییر شرایط در عراق نیز استفاده کنند. همچنین گزارش‌ها و شواهد مختلف حاکی از آن است که سعودی‌ها و قطری‌ها به حمایت‌های مختلف مالی از داعش در سال‌های اخیر مبادرت کرده و این حمایت‌ها به خصوص با توجه به ناکامی سیاست تغییر رژیم در سوریه ابعاد جدی تری به خود گرفته است. حتی فراتر از حمایت‌های مالی، برخی از گزارش‌ها به حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی این کشورها برای فراهم ساختن آموزش‌های لازم برای نیروهای داعش اشاره می‌کنند (اسدی، ۱۳۹۳: ۷۷).

### تاثیر داعش بر روابط ایران و عراق

پس از سقوط صدام و انتقال قدرت به مردم این کشور، شیعیان به علت آن که اکثریت مردم عراق را تشکیل می‌دهند، بر اساس قواعد دموکراسی، قدرت را در این کشور به دست گرفتند. به رغم فراز و فرود فراوان، دولت این کشور به سمت اعمال حاکمیت پیش می‌رفت تا این که نیروهای داعش ناگاه و به سرعت حدود یک سوم از قلمرو عراق را اشغال کردند. درباره نقش عوامل منطقه‌ای، بین‌المللی و داخلی عراق در پیدایش داعش، پرسش‌های بسیار مهمی مطرح می‌شود که از حوصله این مقاله خارج است، اما موضوعی که مرکز ثقل این مقاله را تشکیل می‌دهد، چرایی و چگونگی همکاری راهبردی ایران و عراق برای مقابله با تهدید داعش است. گرچه طی یک دهه اخیر، تحولات داخلی در عراق که بر امنیت ملی- هویتی ایران تأثیر دارد، مورد توجه سیاستگذاران خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفته، اما حضور داعش در عراق، حساسیت و پیچیدگی مسائل عراق را برای جمهوری اسلامی دوچندان نموده است. جنس تهدیداتی که داعش علیه عراق و ایران رقم زده، موجب شکل‌گیری اتحاد راهبردی آن‌ها شده که با نظریه موازنه تهدید قابل تبیین است (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۴۹).

تشکیل داعش به مثابه ایجاد تهدید مشترک برای کشور ایران و عراق

ریشه‌های شکل‌گیری داعش به دوره پس از حمله آمریکا به عراق و ورود اعضای القاعده به این کشور باز می‌گردد. پس از انتقال نیروهای القاعده از افغانستان به عراق، ابومصعب الزرقاوی، رهبری شاخه القاعده در عراق را به عهده گرفت و در سال ۲۰۰۳ گروه «التوحید و الجهاد» را ایجاد کرد. الزرقاوی که گرایش‌های ضدشیعی شدیدی داشت نه تنها آمریکایی‌ها، بلکه شیعیان عراق را مورد هدف قرار می‌داد. در دوره وی صدها عملیات تروریستی علیه مردم عراق، به ویژه در شهرهای مقدس این کشور انجام شد. گروه تروریستی التوحید و الجهاد که دارای شعبه‌های همانم خود در دیگر کشورها از جمله مناطق غربی جمهوری اسلامی بود، رابطه خود با القاعده را حفظ کرد و فرامین اسامه بن لادن و ایمن الظواهری را اجرا می‌کرد. در سال ۲۰۰۴ گروه تکفیری «القاعده در سرزمین بین‌النهرین» ایجاد شد که چندان دوام نیاورد. با کشته شدن الزرقاوی در سال ۲۰۰۶، سازمان «دولت اسلامی عراق» جانشین التوحید و الجهاد و القاعده در سرزمین بین‌النهرین شد. دولت اسلامی عراق و شام (داعش) متشکل از دو سازمان تکفیری دولت اسلامی عراق و جبهه النصره، در ۱۰ آوریل ۲۰۱۲ در سوریه اعلام شد. این سازمان دارای دو رهبر جداگانه یعنی ابوبکر البغدادی به عنوان رئیس بخش دولت اسلامی عراق و محمد الجولانی رئیس جبهه النصره بود. با این وصف این سازمان علیه دولت سوریه اقدامات مشترک تروریستی بسیار زیادی انجام دادند و رهبری جبهه مخالفان بشار اسد را از ارتش آزاد سوریه و دیگر گروه‌های مخالف ربودند. در آوریل ۲۰۱۳ ابوبکر البغدادی در اقدامی غیرمترقبه جبهه النصره را در دولت اسلامی عراق، ادغام و دولت اسلامی عراق و شام را اعلام کرد. یک روز پس از آن، الجولانی رهبر جبهه النصره با صدور بیانیه‌ای، الحاق سازمان متبوع خود به داعش را رد کرد. ایدئولوژی القاعده در سال ۱۹۹۸ اعلام شد که بر مبنای آن، یک جبهه اسلامی جهانی ایجاد خواهد شد. القاعده هدف اصلی خود را جهاد علیه آمریکا به عنوان حامی اصلی حاکمان مستبد عربی و پس از آن اسرائیل بود؛ این در حالی است که شاخه عراقی القاعده بیشتر جنبه ضدشیعی داشته است (Tamimi, 2014: 20-21).

داعش موفق شد بخش‌هایی از شمال سوریه را تصرف و تقریباً سراسر استان رقه را تصرف کند. سپس هم‌زمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کرد و موفق شد کنترل رمادی و فلوجه در عراق را در اختیار گیرد. در سال ۲۰۱۴ داعش با گسترش اقدام نظامی خویش توانست موصل (دومین شهر عراق) را تصرف کند و کنترل بخش زیادی از خاک عراق از جمله تکریت را نیز به دست گرفت. پیشروی داعش تا نزدیکی‌های بغداد، یکی از شگفتی‌های راهبردی محسوب می‌شود. گرچه درگیر شدن داعش با سوریه به عنوان متحد راهبردی ایران نگرانی‌های زیادی برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده بود، اما ورود داعش به عراق از سال ۲۰۱۴، ورود به فضای حیاتی- هویتی ایران تلقی می‌شد که نگرانی از تهدید این گروه علیه کشور را افزایش داد.

## تأثیر داعش بر روابط ایران و سوریه

تاریخ سوریه نشان می‌دهد که این کشور زمانی مرکز جهان اسلام بوده است. این پیشینه تاریخی به موقعیت ممتاز آن گره خورده است. این کشور در موقعیتی راهبردی، در جنوب غربی قاره آسیا واقع شده است (ذوقی بارانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۰). به لحاظ سیاسی نیز، سوریه، در جهان اسلام، در گروه حامیان منطقه‌ای ایران، قرار دارد و به مثابه ستون فقرات محور مقاومت است. این کشور، به دلیل موقعیت آن برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق به اروپا از راه بنادر بانیاس و طرطوس در ساحل مدیترانه و نیز مرزهای مشترک با اسرائیل نزد بازیگران فرامنطقه‌ای اهمیت راهبردی دارد (Nerguizian, 2012:84).

از ابتدای شروع بحران سوریه در مارس سال ۲۰۱۱ عربستان، قطر و ترکیه یک مثلث کاملاً تخریبی علیه سوریه تشکیل دادند و از همان زمان تا کنون ترکیه به عنوان کشوری که معبر و گذرگاه گروه‌های تروریستی جبهه النصره موسوم به ارتش آزاد و داعش تعیین شده و این در حالی است که قطر و عربستان در طول چهار سال گذشته مجموعاً ۳۶ میلیارد دلار کمک مالی در اختیار گروهک‌های تروریستی قرار داده‌اند (کریمی فرد، ۱۳۹۶: ۷۸).

سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ارزش راهبردی بسیار بالایی برخوردار است (الرشید، ۱۳۹۳: ۵۵-۳۸). مناسبات سه دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران و سوریه حکایت از رشد عمیق روابط سیاسی و امنیتی این دو کشور دارد. با توجه به حضور هر دو کشور در محور مقاومت و حمایت آن‌ها از گروه‌های مبارز فلسطینی و نیز منافع همپوشانی که دو کشور در لبنان دارند، بخش مهمی از روابط راهبردی ایران و سوریه به خاطر لبنان و نقشی است که دولت سوریه در این زمینه ایفا می‌کند. سوریه مهم‌ترین پل ارتباطی ایران برای حمایت از حزب الله لبنان و گروه‌های فلسطینی محسوب می‌شود، بنابراین اهمیت بقای حکومت بشار اسد برای حفظ هرچه بهتر این ارتباط از اهمیت فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳: ۱۷۸؛). مناطقی که داعش تصرف کرده، عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با محور مقاومت را هدف قرار داده است (متقی، رشیدی و معینی فر، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

## تأثیر داعش بر روابط ایران و ترکیه



نقاط مشترک ایران و ترکیه در سوریه پایان جنگ سوریه خواسته مشترک ترکیه و ایران است. ترکیه و ایران تمایل دارند که جنگ جاری در سوریه پایان یابد. نقطه اختلاف میان دو کشور، بر سر سرنوشت «بشار الاسد» رئیس جمهوری سوریه است. ایران یک کشور شیعه است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که مذهب آن شیعه بوده و در آن انقلاب اسلامی رخ داده است به طور حتم می تواند در دنیای اسلام، یک کشور سودمند محسوب شود. ایران و ترکیه در دنیای اسلام روابط برادرانه ای با یکدیگر دارند و یک نمونه بارز از زندگی صلح آمیز مذهب های مختلف در کنار یکدیگر هستند. از جمله دلایل همکاری ایران و ترکیه در سوریه:

۱- حفظ اتحاد و تمامیت ارضی سوریه

۲- توقف جنگ داخلی و برقراری آتش بس در سوریه

۳- ایجاد امکانات لازم برای بازگشت پناهنجویان سوری و انتقال کمک های انسان دوستانه به مردم این کشور

۴- دستیابی به یک راه حل صلح آمیز برای بحران سوریه و پرهیز از هرگونه اقدام نظامی علیه این کشور

۵- تاکید بر مبارزه با تروریسم و عملیات تروریستی در این کشور همکاری اطلاعاتی دو کشور نه تنها برای منطقه بلکه برای تامین امنیت دنیا می تواند بسیار مهم باشد.

در حال حاضر کشورهای غربی، ایران و ترکیه را برای همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم و قاچاق تشویق می کنند. در قسمت دوم این بخش، تقابلات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ترکیه است که در رابطه تقابلات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه می باشد که به نکاتی چند به اجمال می پردازیم:

۱- چشمداشت ارضی ترکیه نسبت به سوریه: ترکیه در سوریه به دنبال تجزیه ادلب است. ترکیه در سال ۱۹۳۹ استان اسکندرون سوریه را به خاک خودش ضمیمه کرد ولی هم اکنون به دنبال این است که ادلب را که جزیی از استان اسکندرون است به خاک خودش ملزم کند تا بتواند یک جاده ترانزیتی به سمت سوریه و اردن و کل منطقه خاورمیانه داشته باشد

۲- مخالفت ایران با تلاش های ترکیه برای افزایش سهم ترکمن ها در سوریه: بیشتر گروه های سیاسی و نظامی ترکمن تحت سازماندهی ترکیه قرار دارند. در این راستا در گذشته تلاش های ترکیه تحت عنوان پشتیبانی و تسلیح ترکمن های سوریه تحت پوشش کمک انسانی به ترکمن های

سوریه افشا شد. ترکیه تلاش می کند تا از ترکمن های سوریه به عنوان کارت مهمی در صحنه سیاسی و میدانی سوریه بهره گیرد. بنابراین از کاهش نقش ترکمن ها در سوریه به شدت بیمناک است.

۳- اختلاف ایران و ترکیه در مورد نوع حکومت سوریه: ایران و ترکیه از قدیم الایام یعنی از بدو تشکیل حکومت شیعی توسط سلسله صفویان در برابر حکومت سنی نشین عثمانی همواره دارای اختلافات مذهبی و ایدئولوژیکی بوده اند. این اختلافات با فروپاشی حکومت عثمانی و گرایش آتاتورک به غرب شکل جدیدی پیدا کرد، البته در این دوره به دلیل حاکمیت رژیم پهلوی و گرایش غربگرایانه آن، انتخاب سیستم حکومتی لائیک در ترکیه میان دو کشور حساسیتی ایجاد نکرد. اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ایران مجدداً تضاد دینی و ایدئولوژیکی بین دو کشور رخ نمود تا جایی که بارها مقامات ترک خطر اسلام گرایان این کشور را با الگوگیری از ایران برای حکومت ترکیه گوشزد کرده اند. حال با ذکر مقدمه فوق به خوبی می توان دریافت که پایبندی ترک ها به اصول لائیک آتاتورک و احساس خطر آن ها از ایجاد و استقرار حکومتی بر مبنای اصول مذهبی دینی در سوریه تا چه حد می تواند آینده آن ها را از جانب اسلامگرایان در ترکیه به خطر اندازد. از طرف دیگر ایران نیز نمی تواند شاهد استقرار حاکمیتی لائیک در سوریه باشد در حالی که بیش از ۶۰ درصد مردم این کشور شیعه و طرفدار حکومت مذهبی و اسلامی هستند (کریمی فرد، ۱۳۹۶: ۸۲-۸۴).

### نتیجه گیری

با توجه به نتایج این تحقیق سوریه مهم ترین پل ارتباطی ایران برای حمایت از حزب الله لبنان و گروه های فلسطینی محسوب می شود، بنابراین اهمیت بقای حکومت بشار اسد برای حفظ هرچه بهتر این ارتباط از اهمیت فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. مناطقی که داعش تصرف کرده، عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با محور مقاومت را هدف قرار داده است. نقاط مشترک ایران و ترکیه در سوریه پایان جنگ سوریه خواسته مشترک ترکیه و ایران است. ترکیه و ایران تمایل دارند که جنگ جاری در سوریه پایان یابد. نقطه اختلاف میان دو کشور، بر سر سرنوشت «بشار الاسد» رئیس جمهوری سوریه است.

در عراق نیز پس از سقوط صدام تلاش های بسیاری برای جلوگیری از تکوین عراق با هویت واقعی آن انجام شد. اگر اقدامات گسترده ای که طی یک دهه اخیر در زمینه جلوگیری از شکل گیری دولت-سازي در عراق نادیده گرفته شود، پیدایش داعش را می توان مهم ترین تهدید برای تکوین هویت دولت جدید عراق تلقی کرد. شکل گیری داعش، بیش از آنچه یک تهدید عینی باشد، تهدیدی هویتی است که به نیابت در مقطع حساسی از تاریخ عراق ایجاد شده است. با سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ و

تحولاتی که از سال ۲۰۱۱ شمال آفریقا و خاورمیانه عربی را فراگرفت، ژئوپلیتیک قدرت در منطقه خاورمیانه به طور کامل دگرگون شد. موقعیت ویژه عراق در عرصه راهبردی در خاورمیانه باعث شد که قدرت مهم منطقه‌ای تلاش کنند تا نظم مورد نظر خود را در این کشور برقرار نمایند. منافع دولت کنونی عراق براساس هویت آن تعریف می‌شود که با هویت جمهوری اسلامی تقارن بیشتری دارد. شکل‌گیری داعش، با اهداف بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای تقارن دارد و یکی از اهداف اصلی داعش، گسست هویتی بین ایران و عراق بوده است. روندهای موجود در عراق به ویژه ائتلاف ناکارآمد بین‌المللی و حملات غیرهوشمند و پراکنده هوایی آن‌ها نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در شرایط کنونی، طبیعی‌ترین متحد برای عراق محسوب می‌شود و احساس و ادراک مشترک مقامات دو کشور از تهدید مشترک داعش، باعث شکل‌گیری موازنه تهدید بین این دو کشور سابقاً متعارض شده‌است. با تداوم و تشدید تهدید داعش و احتمال تسری آن به مناطق پیرامونی و حتی داخلی جمهوری اسلامی، هم‌پیمانی ایران با عراق و نبرد نیابتی با داعش در قلمرو خاک عراق، گزینه‌ای راهبردی برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شد و هزینه‌پردازی در این حوزه، سرمایه‌گذاری بلندمدت امنیتی محسوب می‌شود و امنیت ملی جمهوری اسلامی و به طور کلی شیعیان را تعیین می‌کند. البته نقش‌آفرینی ایران در عراق نه تنها امنیت طرفین بلکه حتی در راستای تأمین امنیت بین‌المللی است؛ زیرا با جنگ‌جویان و ایدئولوژی مقابله می‌کند که تهدید بین‌المللی نیز محسوب می‌شوند.

ادراک ایران و عراق از تهدید راهبردی گروه‌های تکفیری چون داعش، بیش از آن که نظامی باشد، هویتی هستی‌شناختی است. تکفیری‌ها با دسته‌بندی دشمن و دگر به دور و نزدیک، شیعیان را دگر نزدیک معرفی کرده‌اند که برای عراق و ایران که هویت اصلی و اکثر آن‌ها شیعی است، بسیار تهدیدزاست و برای نخستین بار پس از چندین قرن، ایران و همسایه غربی خود، علیه یک تهدید مشترک، متحد شده‌اند. زمینه‌های هویتی که عراق و ایران را در برابر تهدید تکفیری داعش، به هم نزدیک کرده است، ریشه‌ای بسیار طولانی دارد و در دوره پیش از انقلاب اسلامی و پیش از سقوط صدام، گفتمان رقیب در میان ملت ایران و عراق بوده است. در دوره انقلاب مشروطه و حتی پیش از آن یعنی نهضت تنباکو، روابط استثنایی میان ملت ایران و عراق قرار داشت. روابط میان ایران و عراق ورای نظام‌های سیاسی غیرهمسو با هویت شیعی، همواره وجود داشته است. روابط ایران و عراق، روابط ویژه‌ای است که پایه هویتی آن بسیار قوی است، و تهدیدهایی مانند داعش باعث بازتولید این هویت شده است. موازنه تهدید ایران و عراق در برابر داعش، وجه استثنایی بودن روابط میان دو کشور را بار دیگر بازتولید کرد، اما این بار، نه در قالب تعارض بلکه تعاون راهبردی. توان تهاجمی داعش، دفاع تهاجمی جمهوری اسلامی را در محیط امنیت خود از جمله عراق ناگزیر می‌نماید، اما این کنش تهاجمی، امنیت ملی هویت پایه ایران، عراق و حتی امنیت بین‌المللی را نیز تأمین می‌کند.

درحالی که ائتلاف‌های عربی- غربی، شکست داعش در عراق را فرایندی بلندمدت می‌دانستند، با همکاری راهبردی ایران و عراق، این گروه تکفیری در مدت کوتاه‌تری، مناطق راهبردی خود را در عراق از دست داد.



## مراجع

- ابراهیمی، نبی الله و دیگران، (۱۳۹۴)، بیداری اسلامی و امنیت هستی شناختی رژیم صهیونیستی: گفتمان انسداد در خاورمیانه، پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۱، ۱۰۹-۸۹.
- اسدی، علی اکبر، (۱۳۹۳)، خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بخشی شیخ احمد، مهدی، بهاری، بهنام، وهاب‌پور، پیمان، (۱۳۹۳)، بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری- وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، فصلنامه علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره ۶۴، ۱۵۳-۱۳۳.
- پورحسن، ناصر، (۱۳۹۱)، آثار بحران سوریه بر مسئله فلسطین، مجله مطالعات فلسطین، شماره ۱۸، ۳۶-۷.
- ذوالفقاری، مهدی، عمرانی، ابودر، (۱۳۹۶)، تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، ۱۶۹-۱۹۵.
- ذوقی بارانی، کاظم، روح الله قادری کنگاوری، فراتی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، تحلیل ژئوپلیتیک سوریه؛ بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه، مجله سیاست دفاعی، شماره ۷۷، ۲۱۴-۱۹۵.
- الرشید، مضوی، (۱۳۹۳)، عربستان سعودی و جریان های اسلامی جدید، ترجمه رضا نجفزاده، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- سعدالدین، ابراهیم، (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی (دلایل و ریشه‌ها)، ترجمه کمال باغجری، تهران، ابرار معاصر تهران.
- سنایی، اردشیر، کاویانپور، مونا، (۱۳۹۵)، ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات روابط بین الملل، دوره نه، شماره ۳۴، ۱۴۵-۱۶۶.
- سیفی، عبدالمجید، پورحسن، ناصر، (۱۳۹۷)، داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، مطالعات روابط بین الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یک، ۳۷-۶۳.
- عباسی، محمود (۱۳۹۳)، سنخ شناسی داعش، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره ۵۸.
- کریمی فرد، حسین، (۱۳۹۶)، تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه، فصلنامه سیاست، سال چهارم، شماره سیزدهم، ۷۱-۸۴.
- متقی، افشین، رشیدی، مصطفی، معینی فر، مسعود، (۱۳۹۲)، بررسی نقش ژئوپلیتیک انرژی در مفهومی‌سازی هلال شیعی، پژوهش‌های سیاست‌اسلامی، سال اول، شماره سوم، ۱۶۸-۱۴۳.

- مسجد جامعی، محمد (۱۳۹۵)، ایران و جهان عرب: تحولات ژئوپلیتیک ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات.
- میرزاده کوهشاهی، مهدی، (۱۳۹۳)، استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه؛ سناریوها و پیامدها، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال سوم، شماره یازدهم، ۱۸۸-۱۷۲.
- هراتی، محمد، قربی، محمد جواد، (۱۳۹۶)، تأثیر بازتولید داعش در کشورهای عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و پنجم، ۱۴۷-۱۲۱.
- Basol, D, (2011), Arab Spring and Israeli Security: The New Threats, Alternative Politics, 3(3).
- Cordesman, A, (2010), Saudi Militants in Iraq: Assesment and Kingdom's Response, <http://www.csis.org>
- Hersh, S.M, (2004), Israel Looks to Kurd: Annals of National Security, New Yorkers, 28 Jun.
- Nerguizian, A, (2012), U.S and Iranian Strategic Competition: The Proxy Cold War in the Levant, Egypt and Jordan, CSIS, Available at: <https://www.csis.org/analysis/us-and-iranian-strategiccompetition-proxy-cold-war-levant-egypt-and-jordan-0> [05/09/2016].
- Tamimi, Aymenn, (2014), The Islamic State of Iraq and Al-sham, Middle East Review of International Affairs, 17 (3).